



نسبت میان اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی

انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط سازمان ملل متحد شد که کلیه دولت‌ها را به اجرای آن فرامی‌خواند. این اعلامیه که در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل و در شهر پاریس به تصویب رسید، یک پیمان بین‌المللی است که نتیجه مستقیم جنگ جهانی دوم بوده و برای اولین بار حقوقی را که تمام انسان‌ها مستحق آن هستند، به صورت جهانی بیان می‌دارد.

اعلامیه مذکور شامل ۳۰ ماده است که به تشریح دیدگاه سازمان ملل در مورد حقوق بشر می‌پردازد. مفاد این اعلامیه حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را که تمامی انبای بشر در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند مشخص کرده است.

مفاد این اعلامیه از نظر بسیاری از پژوهشگران الزام‌آور بوده و از اعتبار حقوق بین‌الملل برخوردار است، زیرا به صورت گسترده‌ای پذیرفته شده و برای

قدرت سیاسی نیاز به کنترل و نظارت دارد و در صورت فقدان چنین پدیده‌ای، مشکلات بی‌حساب گریبانگیر کشور، مردم و حتی خود شخص یا گروه قدرتمند می‌شود. این نیاز که حاصل تجربه بشری و محصول سال‌ها مطالعه و تحقیق جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی و روانشناسان می‌باشد به این نتیجه رسیده که انسان توسعه‌طلب است و در صورت کسب قدرت، در پی گسترش آن بوده و هیچ حد و مرزی را برای خود قایل نیست.

حساسیت قضیه وقتی افزون می‌شود که قدرت در برابر حقوق ملت قرار می‌گیرد و به مرور زمان رعایت حقوق مردم را محدودکننده دامنه نفوذ خود می‌پندارد و در نهایت، تعهد به آن را خدشه‌دار شدن اختیارات خود تلقی می‌کند.

تضاد مابین حقوق مردم و قدرت حاکم که ده‌ها سال و شاید قرن‌ها به طول انجامید، در نهایت و پس از وقوع و پایان جنگ جهانی دوم منجر به

و مخالف، آزادی رسانه‌ها و مطبوعات، وجود پارلمان مستقل از قدرت و آزاد، قوه قضاییه مستقل و ... باعث پاسخگو کردن قدرت و در نهایت، رعایت حقوق مردم می‌شود.

امام خمینی که خود از علمای بزرگ اخلاق و سیاستمدار رهبری‌کننده انقلابی عظیم و پایه‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران است، توصیه بر روشی تلفیقی برای کنترل قدرت حاکم دارد که اخلاق را در کنار سازوکار اجتماعی و سیاسی لازم قرار می‌دهد. او نسبت میان سیاست و اخلاق را درک می‌کند، در حالی که سیاست را به یک دسته آموزه‌های اخلاقی که به درون افراد سیاستمدار مربوط می‌شود و ضمانت اجرایی ندارد، منحصر نمی‌کند. در اندیشه سیاسی امام خمینی نهادهای سیاسی و اجتماعی همزمان با سازوکار درونی یا اخلاقی عمل می‌کنند (۱).

مهم‌ترین ویژگی اندیشه سیاسی امام خمینی مربوط به وجود رابطه معقول و روزآمد بین دین و سیاست است. این اندیشه برخلاف سکولاریسم غرب، انسان را به جای خدا نمی‌نشانند و برخلاف اندیشه‌های موجود در جهان اسلام که به دنبال خلافت، امارت و یا سلطنت بودند، حقوق انسان را به‌طور کامل مورد توجه قرار می‌دهد.

واقعیت این است که اندیشه سیاسی امام خمینی بر مبنای دموکراسی اسلامی و یا مردم‌سالاری دینی بنا شده که رعایت حقوق مردم و نقش اصلی آنان در تشکیل حکومت از بارزترین ویژگی‌های آن است. پُست سکولاریسم عنوان جدیدی است که پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و نقش دین در سیاست و اجتماع مطرح گردید و این در حالی بود

سنجش رفتار کشورها به کار می‌رود.

همان‌گونه که اشاره گردید این اعلامیه پس از وقوع جنگ جهانی دوم و فجایی که توسط نازیسم فاشیسم، کمونیسم و کاپیتالیسم به وقوع پیوست و در آن میلیون‌ها انسان کشته و خسارات بی‌حسابی به مردم کشورهای مختلف تحمیل گشت، تهیه و منتشر شد تا بار دیگر، انسان مورد چنین ظلم و جنایتی قرار نگیرد و حقوق او که بدیهی‌ترین حق هر فردی از ابنای بشر است، دیگر نقض نگردد.

گرچه این اعلامیه نتوانست به اهداف اصلی خود دست یابد و بعد از آن نیز نقض حقوق بشر در کشورهای مختلف ادامه پیدا کرد و مهم‌تر از آن حتی نقض حقوق مردم دیگر کشورها توسط کشورهای اروپایی و آمریکا را شاهد بودیم، تا حدی این اعلامیه نتوانست در مقابل عدم رعایت حقوق انسان‌ها توسط قدرت‌ها ایستادگی کند.

تعادل بین قدرت حاکم و رعایت حقوق مردم از دیرباز در دستور کار متفکران سیاسی و حتی علمای اخلاق بوده که هر کدام به طریقی توصیه‌های خود را داشته‌اند.

علمای اخلاق به کنترل قدرت از درون انسان و رعایت اصول اخلاقی و تعهد به تقوی و توصیه‌های الهی با توجه به جانشینی خدا در زمین توسط انسان تأکید کرده‌اند و آن را عامل مهمی در رعایت حقوق انسان توسط قدرت حاکم دانسته‌اند.

جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی توصیه‌های اخلاقی را برای کنترل قدرت سیاسی کافی ندانسته و کنترل از بیرون را برای حصول به این هدف ضروری می‌دانند. این گروه معتقد هستند که آزادی‌های سیاسی، وجود احزاب مختلف

که حدود چهارصد سال سکولاریسم که تفکیک قلمرو دین از سیاست را دنبال می‌کرد، بر اندیشه سیاسی حاکم بود (۱).

سؤال مهم دیگر در این زمینه این بود که آیا دین و به ویژه اسلام می‌تواند دست به نظام‌سازی سیاسی و اجتماعی بزند که با الگوهای جهان مدرن که رعایت حقوق انسان یکی از آنها است، تعارض نداشته باشد؟ اهمیت این سؤال زمانی بیشتر شد که الگوهای حکومت اسلامی همچون امارت خلافت و سلطنت هیچ‌کدام مطابق با الگوهای مدرن حکومتی و رعایت حقوق مردم نبودند.

پاسخ امام خمینی به این سؤال مثبت بود. او با ارایه الگوی مردم سالاری دینی که همان حکومت مردم بر مردم با رعایت ارزش‌های دینی آنان است به خوبی نشان داد که می‌توان حقوق مردم را تامین کرد و در عین حال با خداوند سر ستیز نداشت. در این نوع از حکومت، برخلاف سلطنت، امارت و خلافت انسان‌ها می‌توانند نظرات و دیدگاه‌های خود را در قالب تصمیم‌سازی و نظام‌سازی پارلمان و شکل‌گیری دولت، آزادانه ارایه بدهند و از طریق سازوکارهای تعریف شده، قدرت را کنترل و پاسخگو کنند و در نهایت، در این نظام حق الهی و حق مردم در آن لحاظ شود.

با توجه به نکات فوق مشارکت سیاسی در این الگو، وجه دینی و اخلاقی پیدا می‌کند و به همین دلیل در این‌جا نسبت میان اخلاق برگرفته از دین و سیاست و قدرت مطرح می‌شود.

در اندیشه سیاسی مدرن از ماکیاولی به‌عنوان بنیان‌گذار فلسفه سیاسی مدرن یاد می‌شود. او هم با معمای اخلاق در سیاست یا اخلاق سیاسی وارد

عرصه مدرن می‌شود و در نهایت، به این نتیجه می‌رسد که اخلاق و سیاست در عرصه عمل سر ناسازگاری دارند و امکان ندارد که کسی بتواند در عرصه منازعات سیاسی، اخلاقی عمل کند و در عین حال در کسب قدرت بتواند برنده باشد (۱).

امام خمینی برخلاف ماکیاولی نگاه سیستماتیک به مقوله اخلاق سیاسی یا اخلاق در سیاست دارد. او این مقوله را مانند سیستمی می‌بیند که در آن اعتقادات اسلامی رکن اول، اخلاق اسلامی رکن دوم و رفتار سیاسی یا سیاست عملی رکن سوم را تشکیل می‌دهد.

امام معتقد است که یک سیاستمدار باید متوجه این موضوع باشد که هرگاه اخلاق را زیر پا بگذارد در واقع کل سیستم را به هم ریخته است، زیرا این به معنای خالی کردن نظام سیاسی از محتوای اسلامی آن می‌باشد. از نظر امام خمینی، سیاستمدار باید از نفس خود هجرت کرده و مالک بر آن شود در غیر این صورت نمی‌تواند سیاستمداری موفق در نظام اسلامی باشد. در همین چارچوب است که امام به انقلابیون توصیه می‌کند که قبل از این که مردم به طرف شما بیایند، سعی کنید خود را به‌طور کامل بسازید.

امام خمینی که شناخت بسیار خوبی نسبت به انسان و به ویژه نفس او دارد، در جایی می‌گوید انسان آن قدر زیاده‌طلب و قدرت‌خواه است که اگر نصف جهان را به او بدهند، باز می‌گوید نصف دیگر را هم می‌خواهم و به آن نیمه بسنده نمی‌کند. بنابراین، ایشان با توجه به این شناخت دقیق معتقد به کنترل قدرت انسان و نظارت بر آن است.

واقعیت این است که پیمودن راه سیاست از

بر آن کنترل و نظارت داشته باشند. در این زمینه مهم‌ترین توصیه امام به مسؤولان کشور، به‌ویژه در مورد کارهای محرمانه، این بود که تا جایی پیش بروید که بعداً بتوانید آن اقدامات را برای مردم توضیح دهید و رضایت آنان را جلب نمایید. مجموعه دو مقوله فوق نشان از این موضوع دارد که امام خمینی برای کسب قدرت و کنترل آن تنها به عوامل درونی و اخلاقی بسنده نمی‌کند بلکه عوامل کنترل بیرونی را به‌طور کامل در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد که در آن جمهوریت همراه با اسلامیت در کنار هم و همراه با هم به اداره کشور می‌پردازد که در صورت اجرای کامل با عقلانیت و سیاست نهادینه شده همراه خواهد بود.

آخرین نکته این‌که امام خمینی معتقد است تا زمانی که حاکمان و مردم به حقوق یکدیگر احترام نگذارند، به سامان سیاسی مطلوب دست نمی‌یابیم. رفع ظلم حاکمان و ظلم‌پذیری مردم از نکات بسیار مهمی است که در اندیشه سیاسی و اخلاقی امام برای ایجاد یک جامعه ایده‌آل مورد توجه جدی قرار گرفته است.

دکتر سید محمد صدر

راه‌های ظالمانه، در اندیشه امام خمینی مورد توجه نیست چرا که سیاستمدار اسلامی، اخلاقی و تکلیف محور است که یکی از ارکان آن اجرای سیاست در چارچوب هنجارها و قواعد پذیرفته شده شرعی است.

در صورتی که بخواهیم یک جمع‌بندی از نظرات امام در حوزه سیاست و اخلاق و همچنین دستیابی به قدرت و کنترل آن ارایه دهیم، به دو مقوله مهم برخورد می‌کنیم:

مقوله اول حضور خداوند در صحنه اجتماعی است. این مقوله باعث می‌شود که سیاستمداران و بازیگران عرصه سیاسی، عالم سیاست را چون دیگر بخش‌های عالم هستی در محضر خداوند ببینند که این خود بزرگترین ضمانت اجرایی برای اخلاقی عمل کردن سیاستمدار است.

مقوله دوم مراقبت و نظارت مردم است که در سازوکارهای حقوقی و سیاسی در قانون اساسی شکل گرفته است. امام خمینی در این زمینه توصیه‌های فراوانی دارد که به حقوق و نظارت مردم بر اعمال سیاستمداران تکیه می‌کند. امام معتقد است که سیاست باید مثل یک اتاق شیشه‌ای روشن و شفاف باشد تا مردم بتوانند به‌طور کامل

منبع

۱. جامعه در صراط. گفت‌وگو با دکتر ابراهیم برزگر. روزنامه همشهری؛ ۱۳ خرداد ۱۳۹۱: ۶ و ۸.